

# نمره ۲۰ برای ۲۰ جهادگر خدمت

روایتی از نخستین اقامتگاه رایگان بیماران کرونایی در مشهد که امکان قرنطینه در خانه ندارند

تکتم جاوید  
t.javid@shahraranews.ir



گزارش روز

صمد یکی از مبتلایان به کروناست که پرسنل مرکز، شده‌اند فامیل و خانواده‌اش. نباید بیشتر از ۵سال داشته باشد اما آن چهره نحیف، رنجور و سرفه‌های گاه و بیگاه، پیرتر به نظر می‌رسد. همسرش طلاق گرفته است و پدر و مادرش فوت کرده‌اند. شغل کاذب روزانه و کارتن خوابی شب برایش حال و روزی نگذاشته. وقتی درد کرونا به رنج‌هایش اضافه شد، نه پولی برای درمان داشته، نه سقفی که زیرش آرام بگیرد و نه هیچ پرستاری، پایش که به این مرکز باز شده، به قول خودش «زندگی‌اش رنگ و رویی گرفته.» او البته ۲۰روزی هم در بیمارستان بستری بوده اما حالش بهتره شده و دوباره بر گشته به مرکز. همه خانواده‌اش، همین پرستاران و جهادگران «مرکز تکمیل درمان شهدای مدافع سلامت»

هستند که این روزها در سوئیت‌های مرکز رفاهی کارگران در میدان شهید کاوه فعالیت می‌کنند و خدمتگزار مبتلایان به کرونا هستند؛

گروهی جهادی که بدون هیچ شمشادنت مادی پای کار آمده‌اند تا نگهدار و خانواده‌بیمارانی باشند که هیچ خانواده‌ای ندارند. وگویادر کارشان موفق بوده‌اند؛ زیرا از حال و روز بیماران این مرکز معلوم است سنگ تمام گذاشته‌اند.

● ازبیمار ۹۸ساله تا سوئیت خانوادگی

مرکز رفاهی کارگران، یک‌رديف سوئیت شش تخته دارد بـا یک آشپزخانه کوچک، فضای باز مقابل سوئیت‌ها، باغچه است و درخت با چند میز و صندلی سئگی. آفتاب پشت ابرها به روز کمی جان داده. بیماران صبحانه خورده‌اند و یکی یکی از سوئیت‌ها بیرون می‌آیند تا در سرمای صبحگاهی نفسی تازه کنند. مسن‌ترین بیمار اقامتگاه، سیدجعفر است که دوسال دیگر صدساله می‌شود. هنگام سرکشی ما با مسئول و پرستار مرکز، روی تختش دراز کشیده است. چند نفر از اعضای خانواده‌اش کرونا گرفته‌اند و امکان مراقبت از پدر پیرشان را نداشته‌اند؛ به‌همین دلیل مقیم اینجا شده. بیماری‌اش که وخیم‌تر شد، چندروزی در بیمارستان بستری بود و حالا برای ادامه بهبودی به اتاقش برگشته است. حالا حالش خوب است و دراز کش روی تخت ورزش می‌کند. بچه‌های مرکز را که می‌بیند، می‌نشیند و دعا می‌کند؛ «من عوضی ندارم به شما بدهم؛ الهی که عوضش را از حضرت زهرا(س) بگیرد.»

در سوئیت دوم، همه بیماران خانم هستند. با حضور مادر بزرگ، دختر و نوه یک خانواده، این یک سوئیت خانوادگی است. دختر خانواده از قـول بقیه تأیید می‌کند که «قامت در اینجا تنها سخت نبود، که پیدا کردن دوستان جدید و گذراندن شب و روز با هم، خاطره‌خوشی برابمان باقی گذاشته است.» چند نفر از اقوامشان هم قبلاً اینجا بستری بودند و آن‌ها هم وقتی متوجه بیماری‌شان شدند، به جای قرنطینه خانگی، راهی این اقامتگاه شدند. ۱۴ روز قرنطینه‌شان همین امروز و فردا تمام است و به‌زودی مرخص می‌شوند.

● پذیرایی از بیماران مشهدی و غیرمشهدی

بیمارانی که به این مرکز می‌آیند، از سه کانال معرفی می‌شوند؛ مراکز بهداشت، درمانگاه‌های تخصصی کرونا و بیمارستان‌ها. البته خیلی‌ها هم به واسطه فامیل و آشنایانی که به اینجا آمده و از رسیدگی‌ها تعریف کرده‌اند، اینجا را نشان کرده‌اند برای ایام بیماری. فقط مشهدی‌ها هم نیستند؛ بیمارانی از شهرها و حتی کشورهای دیگر هم در این مرکز تحت مراقبت قرار گرفته‌اند. بیشترشان اما از همین مشهد و اطرافش هستند، مثل خانمی که از روستای زاگ پشت آرامگاه فردوسی آمده است. همسرش روزی دوبار برای دیدنش به اقامتگاه می‌آید با یک پلاستیک بزرگ در دست؛ هم آبمیوه آورده هم غذا. می‌گوید روستایشان امکانات درمانی ندارد و وقتی از روی آگهی مرکز بهداشت فهمیده چنین مرکزی وجود دارد، همسرش را آورده که بهتر به او رسیدگی کنند.

زهرا خشنود، بانوی میان‌سال دیگری است که دوران بیماری‌اش را در اینجا می‌گذراند. هم از تربت دارد و هم برونشیت؛ به‌همین دلیل مراقبت‌های بهداشتی را سخت رعایت می‌کرده اما باز هم به کرونا مبتلا شده است. چندروزی است در این مرکز مهمان است. هم‌اتاقی دیگری هم دارد و مانند بقیه، او هم از اسبابش راحتی‌ای که اینجا دارد، راضی است و از همه خادمان تشکر می‌کند.

بعضی از بیماران مبتلا به کرونای این اقامتگاه، کادر درمان شهرستان هستند، مثل کمک‌بپار و پرستاری که حین خدمت‌رسانی به بیماران بیمارستان امام‌حسین(ع) به کرونا مبتلا شده‌اند. با این شرایط، عجیب نیست اگر بشوید که «هر کدام از پرسنل و پرستاران خود اقامتگاه هم حداقل یک‌بار به عنوان بیمار، مقیم این سوئیت‌ها بوده‌اند.»

● خادمان بی‌هنت فداکار

تنها عشق و خدمت به هم‌نوع است که نیروهای مرکز را اینجا نگه داشته، والا نه حقوقی درمیان است، نه پناه و نه هیچ وعده دیگری. شاهدش هم زکبه هروی است که الحق شغل پرستاری برازنده اوست. دختر ۲۷ساله اهل فردوس که بعد از اتمام درش در دانشکده پرستاری در یکی از بیمارستان‌های شهرش مشغول به کار می‌شود. او در دوره اول شیوع بیماری، سه ماه به خانه نرفته و بعد از آن هم فقط یک ماه در خانه بوده و باز دوباره به بالین بیمارانش برگشته است. الان چندماهی است که خانم هروی مقیم بیست‌وچهار ساعته مرکز است. خنده‌روست و انرژی جوانی‌اش برای بیماران ناامید و درماند، آب نری آتش است. وقتی می‌گوید تابه‌حال هیچ حقوقی نگرفته و بسجی‌وار فقط برای رضای خدا کار می‌کند، برایم باورنکردنی است. باور کردنی نیست که این میزان از خدمت و فداکاری رایگان باشد. خودش ماجرای آمدنش به مشهد را خیلی ساده شرح می‌دهد: «پیش از شیوع کرونا، آقای مومنی، مسئول مرکز، را می‌شناختم و به محض اطلاع از راه‌اندازی چنین مرکزی با اصرار خودم را به اینجا رساندم تا کمکم بکنم.» او با همه بیماران مثل یک دوست صمیمی رفتار می‌کند. از خاطرات بیماران مختلفی تعریف می‌کند که در این مدت آمده و رفته‌اند، به‌ویژه یک بیمار لبنانی که دوماه مهمانشان بوده است. هم کر بوده و هم لال و با هزار جور ایما و اشاره باید با حرف می‌زدند. زکبه نه خسته شده است و نه قصد بازگشتن به شهرش را دارد؛ «آن قدر می‌مانم تا کرونا تمام شود.»

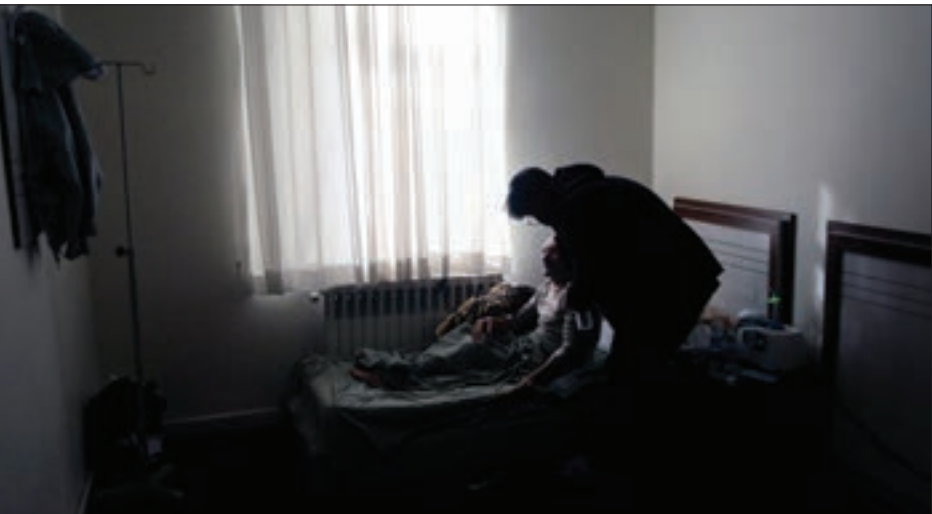
حسین مومنی، بازنشته دانشگاه علوم پزشکی، عضو سازمان نظام پرستاری مشهد و عضو شورای عالی نظام پرستاری کشور، هم پرستار است و هم نیروی بسیجی. به گفته او ماجرای تشکیل «مرکز تکمیل درمان شهدای مدافع سلامت» برمی‌گردد به اسفند سال گذشته؛ «کاری که در مشهد انجام گرفت در هیچ شهری نظیر نداشت، به محض اعلام رسمی شیوع کرونا از اسفند سال گذشته، پیشنهاد راه‌اندازی ناهتگاه بیماران را با هدف کاهش میزان بستری بیمارستانی با دکتر بدیعی، معاون درمان دانشگاه، درمیان گذاشتم و در تاریخ ۱۲اسفند، اولین مرکز نگهداری از بیماران کرونایی را در مرکز آموزش بسیج در انتهای بوبلوار سپاه راه‌اندازی کردیم.»

روحیه بسیجی‌وار و جهادی‌اش از روزهای جنگ در وجودش به یادگار باقی مانده است و حتی مثال‌هایش را با همان اصطلاحات همراه می‌کند؛ «با تدابیر مسئولان دانشگاه علوم پزشکی برای رسیدن بیماران به بیمارستان، به قول بچه‌های جنگ، سه‌خاک‌ریز زدیم. مرحله اول تشخیص بیماران مراکز بهداشت بودند، در سطح دو، ۱۶درمانگاه منتخب قرار داشتند و مرحله سوم بیمارستان‌ها بودند. ورود بسیج جامعه پزشکی به این ماجرا و آموزش خادمایران هم کمک بسیاری به ما کرد.»

● همکاری بین‌سازمانی برای سلامت بیماران

این گونه‌است که فعالیت ناهتگاه، اسفند سال ۹۸ با همکاری ارگان‌ها و دستگاه‌های زیادی همچون دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بهداری شمال شرق سیاه، بسیج جامعه پزشکی و نظام پرستاری مشهد به‌طور رسمی آغاز می‌شود. این آغاز و پذیرش بیماران به مدت ۱۰۲ روز ادامه پیدا کرد و در این مدت هیچ یک از نیروها به خانه نرفتند؛ البته «پس از کاهش تعداد مبتلایان، آن مرکز به‌طور موقت تعطیل شد تا یک مکان مناسب دیگر انتخاب شود.» نقطه قوت ماجرا در حرکتهای جهادی این است که خیلی‌ها را با هدف خدمت‌رسانی خالصانه پای کار می‌کشاند.

مومنی با اعتقاد به اینکه همکاری سازمان‌های مختلف، نتیجه کار را رضایت‌بخش می‌کند، ادامه می‌دهد: محل فعلی با همت استانداری دراختیار م‌قرار گرفته است. لباس‌ها، تجهیزات فردی پزشکی، دارو، صبحانه، میان‌وعده و نیروی خدمه را دانشگاه علوم پزشکی تأمین می‌کند. ناهار و شام بیماران را هم آستان قدس رضوی برعهده گرفته است؛ یعنی بیماران ما هر روز میهمان غذای حضرت هستند. نیروهای تخصصی را هم بسیج دراختیارمان می‌گذارد. انجام همه این کارها از عهده یک دستگاه و سازمان، خارج است.



## راه‌اندازی نخستین اقامتگاه بیماران کرونایی در کشور

● نگهداری از کارتن‌خواب‌ها و بیمار مبتلا به اچ‌آی‌وی

مسئول مرکز تکمیل درمان شهدای سلامت، تعداد بیماران تحت مراقبت را در دوره اول پذیرش، ۱۶۰زن و مرد ایرانی، لبنانی، افغانستانی و پاکستانی با میانگین نگهداری ۱۴روز اعلام می‌کند و می‌گوید: برخی بیماران هم مدت بیشتری میهمان ما بودند. بهزیستی، کمیته امداد امام‌خمینی(ره)، بیمارستان‌ها و خوابگاه‌های دانشجویی هم بیمار معرفی می‌کردند. تعداد زیادی کارتن‌خواب از مشهد و شهرهای دیگر نیز در اینجا بستری و پس از بهبودی مرخص شدند. یک بیمار اچ‌آی‌وی مثبت هم داشتیم که مانند بقیه از او مراقبت کردیم.

میانگین تعداد بیماران بستری‌شده در مرکز، متغیر و بین ۲۵ تا ۳۰ نفر در روز است. مومنی درباره مرکز کنونی تأکید می‌کند: هشت‌سوئیت شش‌تخته دراختیارشان است که البته از چهار تخت آن استفاده می‌کنند، مگر اینکه اعضای یک خانواده باشند. مسائل بهداشتی در اینجا به حدی مهم است که مرکز روزی دو بار ضدعفونی می‌شود. شاید مهم‌ترین دلیل رضایت بیماران از ماندن در این اقامتگاه، به‌جز رعایت اصول بهداشتی، این است که مانند بیمارستان محصور به تخت و اتاق نیستند و می‌توانند در هر ساعتی از شبانه‌روز با پویش راحت در محوطه قدم بزنند. همچنین رفتار عاطفی پرسنل با آنان، حضور روان شناس، برگزاری مراسم شادی و سوگواری، فضای صمیمانه، ایجاد و امید به زندگی را در آنان تقویت می‌کند.

● امکان بستری افراد با نتیجه مثبت آزمایش

او درباره نحوه پذیرش بیماران هم توضیح می‌دهد؛ «در مرحله اول از طریق معرفی مراکز بهداشت یا بیمارستان پذیرش می‌گرفتیم اما اکنون هر فردی می‌تواند با در دست داشتن نتیجه PCR یا HCR2 مثبت برای بستری مراجعه کند.» اینجا از کودک سه‌ساله تا کهن سال نودوهشت‌ساله را پرستاری کرده‌اند و اگرچه پرسنل خدمتکار مرکز مدت‌هاست به خانه نرفته‌اند، همچون رئیس مرکز احساس خستگی نمی‌کنند؛ ۲۰نفر جهادگری که همه خدمات پرستاری و درمان را انجام می‌دهند برخی شبانه‌روز و برخی نوبتی. از آنجاکه کار، کار عشق است، هم‌شان می‌گویند نسبت به روز اول، انرژی‌شان فرقی نکرده است و تا پایان یافتن کرونا به خدمتشان ادامه خواهند داد. بااین حال و از آنجاکه همه خدماتی که «مرکز تکمیل درمان شهدای مدافع سلامت» ارائه می‌کند رایگان است، برای انجامش به کمک خیران نیکوکار نیاز مندند، کما اینکه همه اکنون نیز چند خیر پای کار هستند.



یادی از شهید سرهنگ دوم محمود منظم‌تولایی، فرمانده گردان ۱۲۹ پیاده‌لشکر ۷۷ ثامن‌الائمه (ع)

## بازنشسته‌ای که برای خدمت ماند

(متولد ۱۳۴۹)، مهران (متولد ۱۳۵۲)، و مونا (متولد ۱۳۵۹) بود.

در دوران انقلاب، به‌ویژه در روزهای آخر، او یکی از افرادی بود که سعی می‌کرد از درگیری نیروهای ارتش و لشکر خراسان با مردم و ایجاد خون‌ریزی جلوگیری کند. با اینکه در زمان پیروزی انقلاب، ۳۰سال در خدمت ارتش بود و می‌توانست بازنشسته شود، ترجیح داد بماند؛ می‌گفت: «حالا خدمت برای ارتش و دفاع از میهن و اسلام ناب محمدی ارزش دارد، نه زمان طاعوت.» عراق که به ایران حمله کرد، او از همان نخستین روزهای جنگ به‌عنوان یک فرمانده مسئول و نظامی متعدد در فکر رفتن به جبهه بود و چنین حضوری را وظیفه خود می‌دانست. مسئولیت سرهنگ دوم منظم‌تولایی در

## جان شریفی که تقدیم اسلام شد

کرد. سرباز آسیبی ندید اما سرهنگ تولایی از ناحیه سر، پهل و سینه مورد اصابت ترکش قرار گرفت. راننده بلافاصله فرمانده خود را به داخل جیب کشاند و حرکت کرد سمت عقب و بای‌سیم در خواست آمبولانس کرد. آمبولانس در میانه راه به آن‌ها رسید. پزشک‌یار گردان پس از انجام کمک‌های اولیه، پیکر سرهنگ تولایی را به بیمارستان طالقانی آبادان منتقل کرد. آنجا هم بلافاصله

سنگر گرد دکتر طبیب و همسرش که هر دو جراح ارتش بودند، او را جراحی کردند اما سودی نبخشید و سرهنگ تولایی چندساعت بعد به‌سبب شدت جراحات به شهادت رسید.

من عکسی به یادگار از چهره شهید گرفتیم و روی



سرهنگ مجتبی وقت‌نژاد ۲۰مهر ۷۷شهرآباد

تولایی گفت: «من خودم می‌روم و به این موضوع رسیدگی می‌کنم.» سپس به‌همراه راننده‌اش سوار خودرو جیب شد و حرکت کرد. نزدیک یک‌خاک‌ریز که تعدادی لوله نفت فروسه‌ده نیز در کنار آن انباشته بود، پیاده شدند. صدای تیراندازی به گوش می‌رسید. از راننده‌اش پرسید: «سرجان اگر دشمن به طرف ما تیراندازی کند، ما باید چه کار کنیم؟» سرباز بلافاصله خود را روی زمین پرتاب کرد و گفت: «جناب سرهنگ، در آن موقع ما باید به‌سرعت پشت لوله‌های نفت پناه بگیریم.» سرهنگ تولایی وقتی از آمادگی سربازش مطمئن شد، با هم به طرف جلو حرکت کردند اما طولی نکشید که گلوله توپخانه دشمن در کنار آن‌ها به زمین اصابت

# شهرآباد

روزنامه شهرآباد روزنگی

۲۷شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۹ ۲۸مهر ۷۷شهرآباد ۳۳۴۴

SHAHRARANEWS.IR

تکتم جاوید



جامعه

### با ما در ارتباط باشید

info@shahrara.com رایانامه  
۰۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک  
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰ پیام رسان  
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱۱-۵ تلفن

گرانی

● **علی اکبر فکری**؛ سرانه مصرف شیر و لبنیات به علت گرانی بسیار پایین است. باتوجه به گرانی اعلام‌شده قشر ضعیف باید دور لبنیات را خط بکشند!

● **مجید صلاوتی**؛ در زمان جنگ ایران و عراق، نانوایی‌ها کیسه‌های آرد را جلو نانوایی به نمایش می‌گذاشتند تا جلو شایعات کمبود آرد گرفته شود و مردم وحشت نکنند. اگر الان از همین روش در فروشگاه‌های ازاق عمومی به‌مصرف استفاده شود، جلو گرانی و احتکار گرفته می‌شود و دست شایدان خالی می‌ماند.

● **شهروند**؛ درمورد گرانی مرغ و کمیاب‌شدن روغن پنج کیلوپی از مسئولان سؤال کنید. یک روز لاستیک گران می‌شود، یک روز مرغ، یک روز روغن!

دولت

● **شهروند**؛ جریمه آمدوشد شایانه ۲۰۰هزار تومان! این جریمه برای خانواده پولداری که پولش شامش یک‌میلیون تومان و ماشینش هم ۷۰۰میلیون تومان است، چیزی نیست. جریمه‌ای که بازدارنده نباشد، جریمه نیست.

● **نسرین ابادی‌ران**؛ هر اتفاقی در این مملکت می‌افتد مسئولان، مخصوصاً دولت، زمانی می‌فهمند که کار از کار گذشته!

● **تاج‌کنی**؛ چرا با گرانی اجناس، یارانه ۴۵۵۰۰تومان افزایش نداشته است؟ کارگران با گرانی و یارانه کم چه‌کار کنند؟ ۰۹۶۱...۰۵۰۲...۰۹۱۰ اندر حکایت افزایش قیمت هفتگی لبنیات که این رویه شامل همه کالاها نیز شده و می‌شود، فقط و فقط می‌توان نقش دولت را که همان تأمین نکردن مواد اولیه است، مشاهده کرد.

اصناف

● **جواد**؛ در برخی مغاز‌ها اجناس، یا برچسب قیمت ندارند یا آنکه بهای روی کالا را بیشتر می‌زنند.

اجتماعی

● **کمال رافعی**؛ در این روزها به حیوانات و پرندگان بی‌پناه کمک کنیم، چه با دانه یا نان خشک یا اشغال مرغ و گوشت.

تأمین اجتماعی

● **شهروند**؛ این همه تبعیض بین بازنشسته‌ها! همه بازنشستگان کار کرده‌اند در این جامعه. این درست نیست که در سن کهولت، این همه دغدغه داشته باشند و تبعیض قائل شوید.

● **قادر**؛ حقوق بازنشسته‌ها هسان‌سازی و متناسب‌سازی شد اما کلاه گشادی سر بازنشسته‌های تأمین اجتماعی رفت. برای کشوری‌ها سنگ تمام گذاشتند. چرا حقوق آن‌ها هسان‌سازی شد و حقوق بازنشسته‌های تأمین اجتماعی، متناسب‌سازی؟! حقوق بازنشسته‌های تأمین اجتماعی مثل کشوری و لشکری هسان‌سازی شود.

● **شهروند**؛ گویا معاش قشر متوسط جامعه معنایی برای مسئولان و مدیرعامل بازنشستگان تأمین اجتماعی ندارد. ما بیمه محکم درمان نداریم تا به قول مدیرعامل بخواهیم حذف فترچه کنیم، اولویت زندگی، حداقل حقوق است که ما نداریم.

گرانی

● **وحید همتیان**؛ ۵مهر ۱۳۹۰، قیمت مرغ ۲۷۰۰تومان و با گذشت ۹سال (یک دهه) دهربرابر آن وقت می‌گویند: ما با کاهش قیمت‌ها مواجه هستیم!

● **نجمه پاسبان**؛ جمعی از والدین کودکان کم‌شنوا با کاشت حزلون و سمعک هستیم. متأسفانه قیمت باتری حزلون گوش خیلی بالاتر است که باتوجه به وضعیت اقتصادی در توان خانواده‌ها نیست. در عرض دو ماه، قیمت باتری‌ها دوباربر و بیشتر شده است.

علوم پزشکی

● **هادی**؛ طب سنتی برای درمان کرونا حرف برای گفتن دارد، دارو هم دارد، خیلی هم در درمان کرونا مؤثر بوده است، اما دست‌های پشت پرده نمی‌خواهد که این حرف‌ها شنیده بشود.

### جدول‌گذاری صبا در اصلاح بودجه آمده است

● **شهروند**؛ چرا شهرداری منطقه ۷ بابت پوشاندن کال آب فاضلاب بین صبا ۱۵ و ۱۷ کاری انجام نمی‌دهد؟ چندین سال است همین‌طور رها شده است. حداقل جدول گذاری و آسفالت معبر کنار این کال را انجام دهد.

● **شهرداری منطقه ۱۷** پوشاندن کال در اختیارات شهرداری‌ها نیست و مربوط به آب منطقه‌ای است. اما در خصوص جدول گذاری و آسفالت معابر ذکر شده به عرض می‌رساند که این مورد در اصلاح بودجه سال ۹۹ قرار گرفته و در صورت تصویب تا پایان سال انجام خواهد شد. در غیر این صورت ان شاء... در برنامه بودجه سال آ آینده پیش‌بینی و انجام خواهد شد.

### پیادمروسازی ابرار در پیگیری می‌کنیم

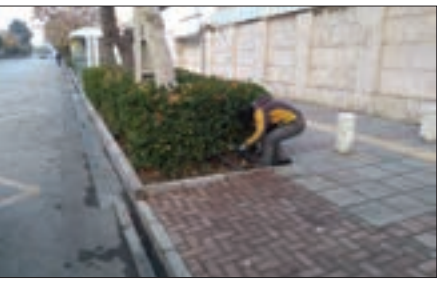
● **شهروند**؛ پیاده‌رو کنار دیوار سازمان افای قاسم‌آباد در ابرار ۵ با وجود دو دبیرستان همجوارش و رفت‌وآمد خطوط ۱۴ و ۱۸/۱ اتوبوس‌رانی بعد از چهل سال هنوز خاکی است و پستی ولندنی زیادی دارد.

● **شهرداری منطقه ۱۰**؛ اگرچه پیاده‌روسازی معابر فرعی جلو ملک‌های خصوصی با شهرداری و اداره فنی و عمران نیست به‌جز موارد خاص، با این حال در دست پیگیری قرار می‌گیرد.

### لوله آبیاری فضای سبز کوتاه شد

● **شهروند**؛ بولوار بعثت بین ابوذر و رضاروبروی پلاک...؛ لوله آب فضای سبز تابیرن باغچه آمده و برای رفت‌وآمد عابران خطرناک است، خصوصاً برای بچه‌ها.

● **شهرداری منطقه ۱۱**؛ اصلاح شد.



مسئول مرکز

تکمیل درمان

شهدای

سلامت:

تعداد

بیماران تحت

مراقبت در

دوره اول

پذیرش:

۱۶۰۹زن و

مرد ایرانی،

لبنانی،

افغانستانی

و پاکستانی

با میانگین

نگهداری

۱۴روزبود.

برخی بیماران

هم مدت

بیشتری

میهمان

ما بودند.

بهزیستی،

کمیته

امداد امام

خمینی(ره)،

بیمارستان‌ها

و

خوابگاه‌های

دانشجویی

هم بیمار

معرفی

می‌کردند.

تعداد زیادی

کارتن‌خواب

از مشهد و

شهرهای

دیگر نیز در

اینجا بستری

و پس از

بهبودی

مرخص

شدند